

فرهنگ و مسکن

شهرام پوردیهیمی *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۰/۰۳/۲۹

چکیده

هدف از طراحی محیط، تنها بر محور بیان‌های زیبایی‌شناسانه قرار نمی‌گیرد بلکه طراحان معمولاً از طریق ادراک موضوع طراحی، تشخیص مسائل و ارائه راه حل‌ها، طرحی را به نتیجه می‌رسانند که نه تنها به نیازهای کیفی کاربران پاسخ می‌گوید بلکه محیطی زیبا نیز خلق می‌نماید. بنابراین هدف طراحی، خلق محیطی با اجزایی نظیر قرارگاه‌های رفتاری و مبلمان‌هایی است که همه آن‌ها متناسب با نیازهای رفتاری، انتظارات، توقعات و نیازهای کیفی کاربران متناسب قرار می‌گیرند. این بدان معناست که محصول چنین تلاشی باید بر اساس شناخت ویژگی کاربران یعنی "فرهنگ" آنان باشد، تا بتواند به نیاز آنان پاسخ گوید.

مردم و رفتارهای آنان بخشی از سیستم محیط‌های مسکونی می‌باشند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض نمود. رفتارهای انسانی همواره در بستر محیط شکل می‌گیرند و نمی‌توان بدون در نظر داشتن تأثیر محیط، شرایط رفتاری را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار داد. بنابراین طراحی باید با تکیه بر دانش چگونگی تعامل انسان با محیط به نتیجه برسد. در حالیکه این دانش هیچ‌گاه کامل و بدون نقص نیست، طراحان نیز نباید بر اساس نقطه نظرهای شخصی عمل نمایند. اما تصمیمات طراحی می‌تواند در هر مقطع زمانی بر اساس اطلاعاتی که از طریق تحقیق به دست می‌آیند، اتخاذ شود.

فرهنگ یک مفهوم و ساختار نظری است، از سوی دیگر یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، جهان بینی، دیدگاه، رفتار و چگونگی انجام آن می‌باشد، معمولاً طراحان همواره بر اهمیت فرهنگ در محیط‌های مصنوع تأکید بسیار دارند، اما هیچ‌کدام در مورد چستی آن یا چگونگی تأثیر فرهنگ بر محیط‌های انسانی به طور واضح سخن نگفته‌اند، زیرا طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. چنانچه وجوه مختلف و حدود آن روشن گردد، می‌توان از مفهوم فرهنگ و وجوه آن در طراحی محیطی به نحوه قابل درکی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن، روش زندگی، محیط و معنا.

* استاد گروه آموزشی معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

انسان موجودی است که از طریق فرهنگ بر طبیعت چیره گشته و از مرحله بربریت، سرانجام به جامعه متمدن مدرن رسیده است. در سال ۱۸۷۱ میلادی سر ادوارد برنت تیلور انسان شناس (آشوری، ۱۳۸۱) انگلیسی با نشر کتاب فرهنگ ابتدایی واژه فرهنگ را به معنای علمی تازه در حوزه انسان شناسی مطرح نمود اما این علم تا سال ۱۹۲۰ میلادی هیچ گاه مورد استفاده قرار نگرفت.

فرهنگ به مفهوم سنتی آن به معنی تمدن استفاده می گردید، و فرهنگ افراد بر اساس رفتارهای آنان، غذا، موسیقی، هنر و ادبیات که ویژگی خاصی داشتند شناخته می شد، در حالی که تیلور فرهنگ را کلیت درهم تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که انسان را به گروه‌های خاصی از اجتماعات پیوند می دهد - که تعریف جامعی از فرهنگ می باشد - معرفی کرده است.

مفهوم تازه فرهنگ زمانی پدید آمد که نیاز به شناخت چگونگی و معنای زندگی و رفتار انسانی ضرورت پیدا کرد، زیرا مفاهیمی که علوم طبیعی برای شرح پدیده‌های طبیعی و زیستی برای بازگفت پدیده رفتاری انسانی ارائه می داد، رسا نبود چنان که رفتار انسانی را نمی توان تنها بر اساس نیازها و ساز و کارهای زیستی مانند نیاز به خوراک یا سرپناه برای ماندگاری فرد مطرح نمود. زیرا نیازهای حیاتی او همان نیازهای حیوانی است، در حالی که نیازها در دنیای انسانی با در آمیختگی با ارزش‌ها، آرمان‌ها، انتظارات، اخلاقیات، آداب و سنت ها شکل پیچیده‌ای به خود می گیرند.

سؤالات تحقیق

- کدام یک از عوامل فرهنگی در طراحی محیط‌های مسکونی مؤثر است؟

- آداب رفتاری با چه ساز و کاری بر محیط‌های مشترک بین واحدهای مسکونی تأثیر می گذارد؟
- شیوه زندگی ساکنان چه ملاحظاتی را بر محیط مشترک مسکونی تحمیل می نماید؟

فرهنگ

فرهنگ را از جهتی به "فرهنگ مادی" و "فرهنگ معنوی" تقسیم کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۱). فرهنگ مادی همه وسایل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته شده و شیوه‌ها و فرایندهای ساخت و ساز آن‌ها می دانند؛ و فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، باورها، اندیشه‌ها، دانش و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه، ادبیات، هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان مطرح می کنند.

اما آنچه در ماهیت فرهنگ اهمیت دارد آن است که بن مایه‌های فرهنگی از طریق اجتماع و آموزش قابل انتقال است، لذا فرهنگ شامل همه بن مایه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی است که فرد در درون آن زاده و پرورده می شود و از این راه به او "هویت فرهنگی" ارزانی می شود، که کل گرایش‌های رفتاری او را تحت تأثیر قرار می دهد، یعنی رشد یافتن در یک فضای فرهنگی، نظامی از ارزش‌ها و معناها و هنجارهای رفتاری را چنان در ژرفنای وجود فرد یا طبیعت او می نشانند که کل نظام رفتاری او را پدید می آورد، یعنی تمام خواستن‌ها و نخواستن‌های او را در وجود او می سازد. حتی تمامی نظام طبیعی حسی او را چنان در خود فرو می گیرد که بوها، مزه‌ها، رنگ و آواهای خوشایند و ناخوشایند را نیز از راه نظام فرهنگی خود دریافت و ارزیابی می کند.

تمامی آنچه در روان شناسی، خود آگاهی و ناخود آگاهی فردی و جمعی نامیده می شوند نیز از درون همین نظام بر می آید و تمامی ویژگی‌های فردی و جمعی از

می‌نماید. اما در این تعاریف به سه مورد اصلی توجه شده و این موارد می‌توانند هدف اصلی در استفاده از فرهنگ را مشخص نمایند که آن سه مورد، روش زندگی، جنبه های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف می‌باشند.

روش زندگی (Life style) به نحوه زندگی انسان‌ها که انتخاب می‌کنند مربوط می‌گردد و بر ایده‌آل‌ها، قواعد، قوانین، رفتارهای روزمره زندگی و نظایر آن استوار است. جنبه‌های ذهنی انسان‌ها به طرحواره‌های ذهنی، زبان و حتی انتخاب محیط‌های زندگی و نحوه استفاده از قرارگاه‌های رفتاری مربوط می‌گردد، که این جنبه‌ها از نسلی به نسل دیگر از طریق تبادلات فرهنگی انتقال پیدا می‌کند.

همسازی با محیط به موضوعاتی نظیر استفاده از منابع موجود در محیط و روش‌های خاصی که انسان برای استفاده از سیستم‌های طبیعی در محیط‌های مختلف برای بقا خود کشف نموده، نظر دارد.

هدف از فرهنگ در روش زندگی، فراهم نمودن شرایطی برای زندگی است که از طریق ارائه قانون‌مندی‌های لازم برای چگونگی شکل‌گیری آن مطرح می‌شود. هدف از جنبه ذهنی کنترل همه مواردی که در روش زندگی وجود دارد، می‌باشد. این شرایط نه تنها کنترل را از راه تطابق موارد فوق با اطلاعات ذهنی افراد امکان پذیر می‌نماید، بلکه عامل مهمی برای پدید آوردن معنی نیز می‌باشد. همسازی در محیط‌های مختلف، تعریفی برای مشخص کردن گروه‌های اجتماعی است، هدف اصلی جداسازی گروه‌های مختلف، مشخص نمودن تفاوت آن‌ها با یکدیگر است. لذا در ترکیب جنبه‌های مختلف فرهنگ با یکدیگر، می‌توان مشاهده نمود که تأکید اصلی بر روش زندگی افراد و روش زندگی اجتماعی آنان می‌باشد.

همین طریق پدید می‌آیند. به عبارت دیگر، زندگی انسانی یک زندگانی فرهنگی است که با عالم ارزش‌ها و معناها چنان جوش خورده است که از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

نظام فرهنگی به فرد یک نظام ارزشی و معنایی می‌بخشد که نظام رفتاری فردی پدید می‌آید و از قرار گرفتن نظام رفتاری افراد در درون نهادها و ساختارهای اجتماعی نظام‌های رفتاری جمعی، که جوامع را از یکدیگر جدا و بازشناسی می‌کند، بر می‌آیند. فرهنگ هم نظام حسی و عاطفی، یعنی نظام ارزشی و معنایی ناخود آگاه را به فرد می‌دهد و هم نظام ارزشی و معنایی خود آگاه را؛ یعنی نظامی که قالب آداب اخلاقی و نظری و به اصطلاح "جهان بینی فردی و جمعی" را منعکس می‌کند.

فرهنگ یک ایده، اندیشه، مفهوم و ساختار نظری است؛ همچنین یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات نظیر تفکر انسان، اعتقادات، اعمال و چگونگی انجام آن می‌باشد. معمولاً اغلب طراحان و محققین بر اهمیت و تأثیر فرهنگ در محیط‌های ساخته شده همواره تأکید داشته‌اند، اما هیچ کدام در مورد چیستی فرهنگ یا چگونگی تأثیر آن اظهار نظری ننموده‌اند (Rapaport, 2005).

زیرا اولاً طبیعت مفهوم فرهنگ خیلی روشن نشده، ثانیاً هیچ گاه موضوع فرهنگ به منظور تعیین وجوه و حدود آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. بررسی و تحلیل وجوه مختلف در آن و روشن کردن حدود آن‌ها، می‌تواند در به‌کارگیری آن در طراحی محیط بسیار سودمند باشد.

همچنان که اشاره شد، فرهنگ را می‌توان شامل هر آنچه که خصوصیات ویژه‌ای به انسان‌ها می‌دهد در نظر گرفت. از سوی دیگر تعاریف متعددی نیز توسط محققان مختلف ارائه شده که موضوع فرهنگ را بسیار پیچیده

باید توجه داشت، تعاریف مختلفی که از فرهنگ ارائه گردیده، در تضاد یا تناقض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه این تعاریف مکمل یکدیگرند. نکته دیگر اینکه در علوم، یا در موضوعات مختلف استفاده از فرهنگ با اهداف متفاوت صورت می‌گیرد. این تعاریف مختلف که وجوه گوناگونی را مد نظر قرار می‌دهند کاربردهای وسیع تری از فرهنگ را در علوم و موضوعات میسر می‌کند.

اما در محیط‌های ساخته شده، برقراری ارتباط بین فرهنگ و محیط زندگی، به سبب کلی‌گرایی و مختصر بودن تعریف فرهنگ، غیر ممکن به نظر می‌رسد. لذا به منظور آگاهی از ابعاد و وجوه خاصی از فرهنگ که در طراحی تأثیر دارند، باید تعاریف لازم برای آن‌ها ارائه کردند.

فرهنگ کاربران و محیط مصنوع

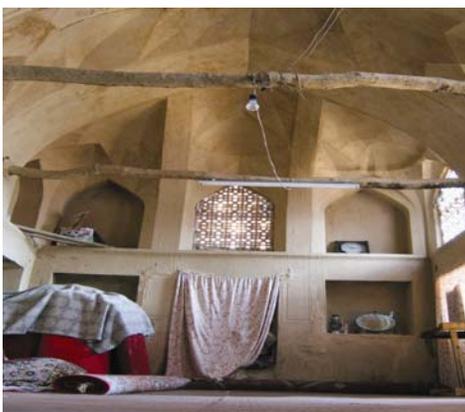
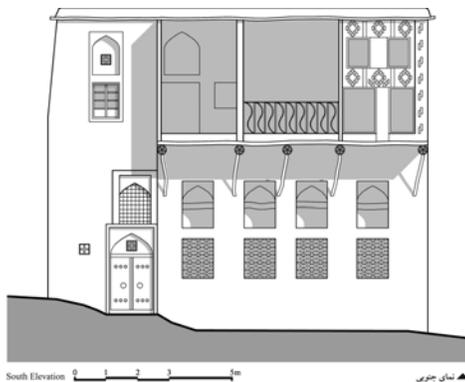
در طراحی محیط‌های مصنوع، کاربران در گروه‌های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی می‌باشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان می‌باشد. این تفاوت‌ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ‌ها نیز وجود داشته باشد. تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به سبب تعابیر و تفاسیر متفاوتی از محیط‌ها و رفتارهای درونی آن‌ها توسط طراحان، مشکلات بسیاری را برای کاربران به وجود آورد. لذا در تمام شرایط، قرارگاه‌ها و رفتارهای درون آن‌ها باید به خوبی تجزیه و تحلیل و تعریف گردند. زیرا در قرارگاه‌های رفتاری "بُعد معنایی ویژه‌ای" وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته می‌گردد و نوع استفاده از آن‌ها، مکان‌گیری، نحوه همجواری‌شان و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تحلیل آن‌ها تلاش دارد نشان دهد که افراد چه کارهایی را در کجا،

چه وقت، چرا و با چه کسانی انجام می‌دهند. زیرا ارتباط انسان با محیط از طریق ساز و کار ادراک صورت می‌گیرد. از سوی دیگر معانی محیط‌های مصنوع و ادراک افراد از آن، به سبب تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند متفاوت باشد. لذا معنی در محیط‌های رفتاری به قرارگاه‌ها، مکان‌ها و گروه‌های کاربران وابسته می‌باشد. کاربران بر اساس فرهنگ طبقه‌بندی می‌گردند و بسیاری از رفتارهای اجتماعی نیز به فرهنگ وابسته می‌باشد.

گوناگونی بسیار زیاد فعالیت‌ها، قرارگاه‌های بسیار زیادی که بر اساس نیازهای فرهنگی شکل می‌گیرند را به وجود می‌آورند. این بدان مفهوم است که، "معنی" در محیط‌های ساخته شده چیزی نیست که به عملکرد اضافه می‌گردد، بلکه "معنی" خود مهم‌ترین عاملی است که محیط باید به آن پاسخ دهد. لذا نیازهای کیفی اغلب مهم‌تر از نیازهای کمی هستند و به همین دلیل است که در اغلب مواقع کاربران در انتخاب‌های خود به گونه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، زیرا نیازهای کیفی نقش اصلی را در ارزیابی و ترجیحات آن‌ها ایفا می‌کنند. لذا "بُعد معنایی" نقش مهمی در خلق فضاهای گوناگون دارد. یعنی در برخی از فضاها که روش استفاده مشابهی دارند، به سبب شیوه زندگی متفاوت کاربران قواعد و استانداردها در آن‌ها معمولاً متفاوت از یکدیگر می‌گردند. برای مثال ارزش گذاری بر سطح روشنایی محیط‌های زندگی، میزان صدا، دمای محیطی در آن‌ها، ابعاد، نوع و شکل پله‌ها، ایجاد هویت در محیط‌های مسکونی و کار، میزان تراکم و ازدحام در محیط‌های مسکونی، از نمونه موضوعاتی هستند که در بسیاری از نقاط با یکدیگر متفاوتند (Rapaport, 2005).

در تحقیقات انجام یافته، میزان سطح روشنایی در آمریکا بین ۱۰ تا ۲۰ برابر بیشتر از سطح روشنایی در فنلاند و سوئد می‌باشد. همچنین میزان تراکم مسکونی در

برنامه‌ریزی باید این اولویت‌ها را به خوبی شناسایی نمایند. عموماً معیارهای مورد نظر کاربران در فرایند انتخاب اولویت‌ها، بر اساس اصلاح و بهبود محیط فیزیکی زندگی‌شان قرار دارد، که بر زمینه فرهنگی آنان استوار است. معیارهایی که در خانه‌های بومی در اجتماعات سنتی به کار گرفته شده، بر اساس نیازهای کاربران در شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و اجتماعی آن دوران بوده است، که بدون در نظر داشتن و آگاهی از معیارهای آن‌ها، محیط‌های سنتی قابل درک نخواهند بود. اگر چه در طول دوران مدرن معیارهای مورد نظر کاربران در بسیاری از جوامع تغییر یافتند، اما در برخی از اجتماعات معیارهای سنتی هنوز باقی هستند. (تصویر شماره ۱)



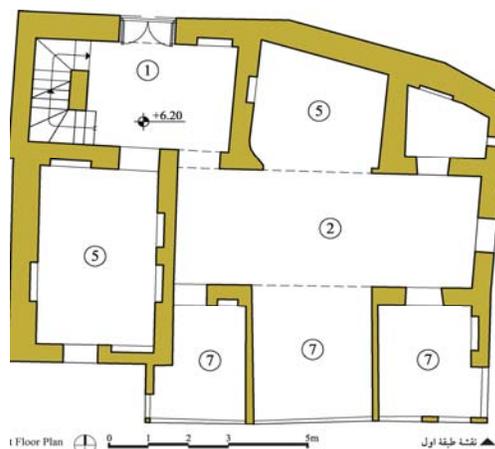
سازماندهی فضای داخلی متناسب با نیاز کاربران.

هنگ کنگ ۴۰ تا ۵۰ برابر بالاتر از تراکم مسکونی در آمریکا است. در واقع تراکم بالا در یک زمینه فرهنگی معنایی کاملاً متفاوت در زمینه فرهنگی دیگر دارد. در محیط‌های مسکونی، فرهنگ نقش پر اهمیتی در تعبیر و تفسیر تراکم و میزان فضای باز بین ساختمان‌ها خواهد داشت (Rapaport, 2005).

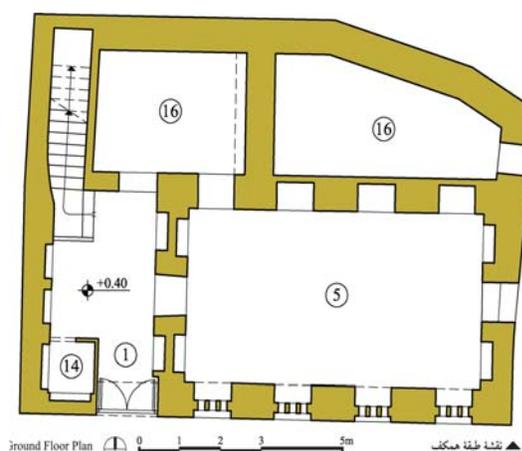
فرهنگ می‌تواند نقش متفاوت خود را از طریق ساز و کارهای متفاوت ایفا نماید. تمایل یا عدم تمایل به معاشرت و تعامل با خویشاوندان، یا با افراد غریبه به فرهنگ اجتماعی وابسته می‌گردد. معنی خویشاوندی نیز در فرهنگ‌ها متفاوتند. همچنین نوع حریم فضاها، انتظام فضاها و رفتارها در طی زمان در آن‌ها و آداب و تعاملات، در فرهنگ‌ها متفاوت می‌باشند. بنابراین ساز و کار حریم‌های شخصی نیز از متغیرهای فرهنگی می‌باشند. تأثیر منفی تراکم و ازدحام منجر به ایجاد تنش و فشارهای درونی می‌گردد. تنش و فشارهای روانی به طور معمول حاصل ارزیابی یا حاصل یک شرایط نامطلوب نسبت به شرایطی قابل قبول، یا معانی است که در هر شرایط به وجود می‌آید. برای مثال؛ وجود اشراف به داخل فضاها یا بستن مسکونی، که به دلیل تراکم زیاد و ازدحام به وجود می‌آید، به تعریف "افراد غریبه و نوع ترفندهای مختلف برای جلوگیری از اشراف" ارتباط و بستگی پیدا می‌کند. عوامل ایجاد کننده فشارهای روانی به میزان توقعات افراد، قواعد و آداب زندگی آن‌ها و طرح واره‌های ذهنی‌شان بستگی پیدا می‌کند، که همه این شرایط از عوامل فرهنگی سرچشمه می‌گیرند. از سوی دیگر طراحی که فرایندی از انتخاب راه حل بهینه از بین گزینه‌های مختلف می‌باشد، باید با هدف دستیابی به برترین شرایط ممکن برای تأمین خواسته‌های کاربران انجام گیرد. لذا باید اولویت‌های مورد نظر کاربران در درجه اول اهمیت قرار گرفته و طراحان در مرحله

فرهنگ‌های مختلف معیارهای متفاوت و زیادی را برای ارزیابی در نظر می‌گیرند، معیارها می‌توانند بر اساس شأن و مرتبه افراد، طرح واره‌ها و تصاویر ذهنی، ایده‌آل‌ها، قانون مندی، آداب زندگی و آداب اجتماعی شکل گیرند، که تفاوت در معیارها، تفاوت‌های فرهنگی گروه‌های مختلف و محیط آنان را مشخص می‌نمایند. در بسیاری از جوامع با وجود تشابه بعضی از معیارهای فرهنگی آن‌ها، معیار مرتبه اجتماعی افراد، اقتصاد- اجتماعی و اولویت نیازهایشان، اختلاف فاحشی را در کیفیت‌های محیطی و اجتماعی آن‌ها به وجود می‌آورد.

معیارهای کیفی و چگونگی به کارگیری آن‌ها در طراحی محیط‌های مصنوع، بر بعضی از ایده‌آل‌ها و برخی از تفکرات مردمی ایده‌آل تأثیر داشته و منجر به یک زندگی ایده‌آل در محیطی ایده‌آل می‌گردد. این گونه شرایط در طرح واره‌ها و تصاویر ذهنی ساخته می‌شوند، و اغلب یا معمولاً مفهومی و غیر قابل تغییرند، و در ذهن ناخودآگاه انسان‌ها قرار دارد، و به قواعد و استانداردها و نظایر آن وابسته می‌گردند. این عوامل از طریق توقعات و انتخاب‌ها، به نوعی خاص از تفکر درباره کیفیت محیطی منجر می‌گردد و "معنی" در این میان به‌عنوان اصلی‌ترین عامل نقش ایفا می‌کند. بنابراین کیفیت محیطی با شأن و مرتبه افراد، هویت آن‌ها، و نظایر آن در ارتباط قرار می‌گیرد. قوانینی که برای ایجاد معیارها استفاده می‌شوند، قوانین فرهنگ - اجتماعی است، که از طریق قوانین اجتماعی، طرح واره‌های ذهنی و ایده‌آل‌ها تعیین می‌گردند. با تغییر فرهنگ، ایده‌آل‌ها و تصاویر ذهنی نیز تغییر می‌کند، در چنین شرایطی ایده‌آل‌ها و تصاویر و در نتیجه محیط‌های زندگی گرایش به طرف معیارهای عمومی پیدا می‌کنند. هم‌چنان که قبلاً اشاره گردید، اصطلاح فرهنگ، یک ساختار نظری است و یک



- ۱. ورودی
- ۲. حیاط
- ۵. اتاق
- ۷. ایوان



- ۱. ورودی
- ۵. اتاق
- ۱۴. دستشویی
- ۱۶. انبار

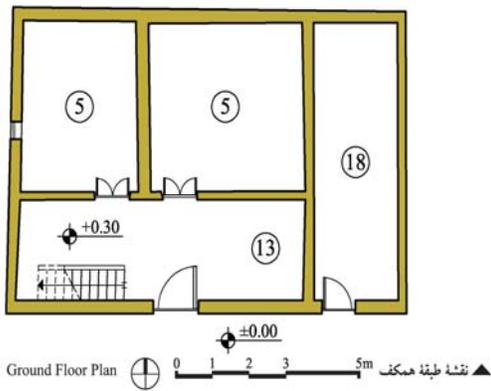
"ت ۱" خانه کبیریان، ایبانه، شهرستان نطنز.

نیازهای کاربران با توجه به شرایط تکنولوژیکی، اعتقادی و اقلیمی دوره زمانی خود تعریف و اجرا شده است.

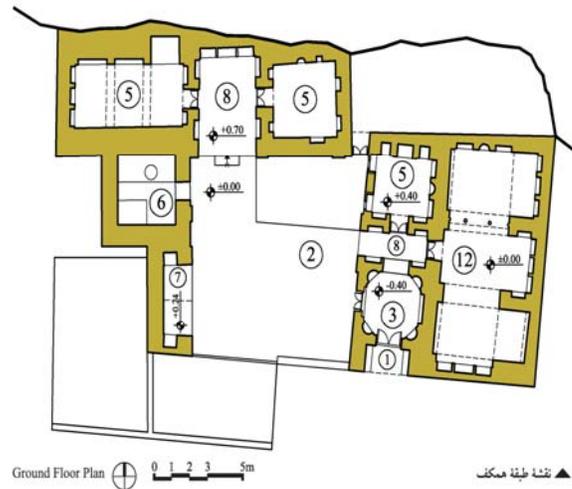


نمای اصلی.

ویژگی بسیار وسیعی از پدیده‌های انسانی را مشخص می‌نماید، لذا محدوده‌ای بسیار وسیع دارد و تعاریف بسیار زیادی برای آن ارائه شده است، در نتیجه تبیین رابطه فرهنگ و محیط بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین، چنین اصطلاح کلی نمی‌تواند به طور مفید شرایطی را تشریح نماید که تأثیر دانش در طراحی مورد استفاده قرار گیرد. لذا برای عملی کردن آن در طراحی، باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (تصویر شماره ۲۳)

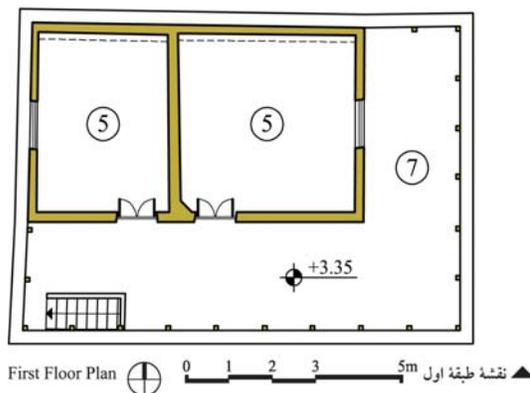


- ۵. اتاق
- ۱۳. آشپزخانه
- ۱۸. طویله

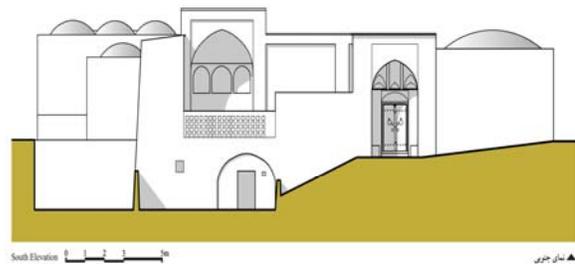


- ۱. ورودی
- ۲. حیاط
- ۳. هشتی
- ۴. راهرو
- ۵. اتاق
- ۶. شاه نشین
- ۷. ایوان
- ۸. راهرو
- ۹. راهرو
- ۱۰. راهرو
- ۱۱. راهرو
- ۱۲. مجلسی

"ت ۲" خانه مهدوی، تیکدر، شهرستان زرنند، کرمان.
حیاط به عنوان فضای زندگی در اقلیم کویری زرنند
مورد استفاده قرار می‌گیرد.



- ۵. اتاق
- ۷. ایوان

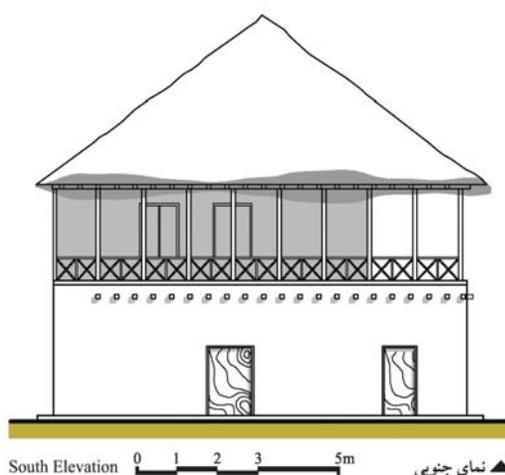


نمای جنوبی

ارائه داده است و اظهار می‌دارد که این روش به هر حال درک عمومی از ماهیت کل‌نگر فرهنگ و اجزای کلی تشکیل دهنده آن را تا حدودی ارتقاء می‌بخشد. در این روش بخش‌هایی از محیط با اجزائی از فرهنگ نظیر، جهان بینی، ارزش‌ها، تصورات، هنجارها، روش زندگی و سیستم‌های فعالیت می‌تواند در ارتباط نزدیک قرار گیرد.

جهان بینی هنوز مفهومی انتزاعی است که استفاده از آن مبهم به نظر می‌رسد، شاید بتوان اظهار داشت که جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است. لذا یکی از جنبه‌های آن ارزشهاست، که انتخاب‌ها و اولویت‌های مورد نظر کاربران به آن‌ها وابسته است. انتخاب نوع مسکن، محیط‌های همسایگی و اقتصاد گروه‌های اجتماعی از موضوعاتی هستند که به ارزش‌ها بستگی پیدا می‌کنند.

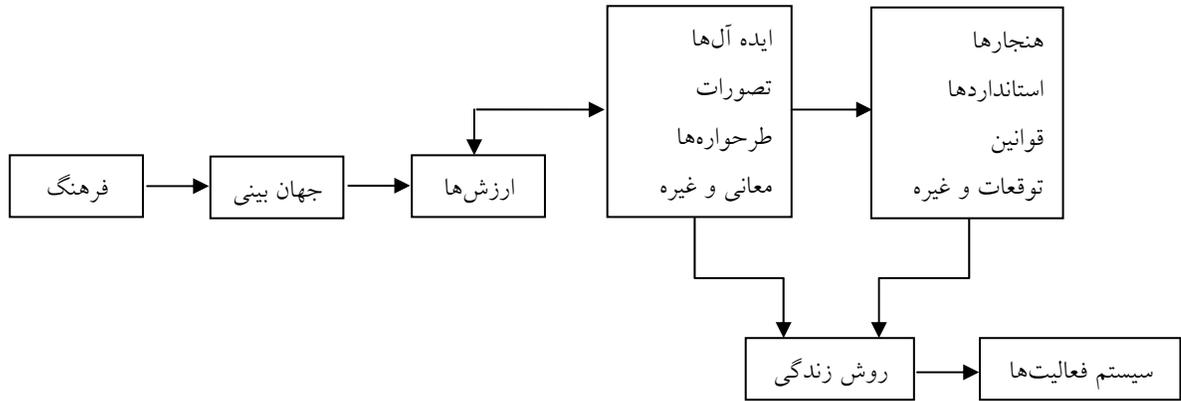
ارزش‌ها که در ارزیابی محیط نقش مهمی ایفا می‌کنند، از طریق ایده آل‌ها، تصورات، طرح‌واره‌ها و معانی بیان می‌شوند که این جنبه‌ها منجر به ایجاد هنجارها، استانداردها، قوانین، توقعات و ... می‌گردند، که در نهایت همه آن‌ها به روش زندگی وابسته هستند. مفهوم روش زندگی به‌طور ویژه به انتخاب کیفیت‌های محیطی، کیفیت‌های زندگی، فعالیت‌ها و شیوه فعالیت‌ها که مربوط به روش زندگی در محیط‌ها می‌باشد، منجر می‌گردد. روش زندگی مفهومی است که به هر حال در محیط‌های ساخته شده بر اساس ارزش‌ها یعنی ایده آل‌ها، تصورات، طرح‌واره‌ها و ... شکل می‌گیرد و در جوامع پدید می‌آید. آنچه که در ماهیت روش زندگی در محیط‌های ساخته شده اهمیت پیدا می‌کند آن است که روش زندگی منحصر به یک فضا نیست، بلکه در مقیاس‌های مختلف و در محیط‌های گوناگونی پدید می‌آید، به همین سبب تنوعات زیادی پیدا می‌کند.



حجم کلی بنا.

"ت ۳" خانه بردبار، ماکلوان، شهرستان فومن.
به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، معیشتی، اقلیمی سازمان فضایی خانه متفاوت با دیگر گونه‌های مسکن است.

راپاپورت در دهه ۱۹۷۰ (Rapaport) با هدف آگاهی از ساختار کلی فرهنگ و عوامل تأثیر گذار آن بر محیط‌های ساخته شده آن را به اجزائی تقسیم می‌کند، او با آگاهی از این موضوع که تجزیه فرهنگ در سطوح کلی هنوز قابلیت ارتباط با محیط را ندارد پیشنهاد خود را



"ت ۴" تجزیه فرهنگ در پاسخ به ماهیت کل نگر آن. (راپاپورت، ۲۰۰۵)

اهداف در روش زندگی نقش اصلی را ایفا می کنند، مشخص می گردند. موضوع مفهومی هر مبحث، جنبه، مسئله یا وضعیتی است که یک جواب طراحی را می طلبد تا طراحی موفق ارائه گردد. موضوعات مفهومی، در مدیریت گردآوری اطلاعات و تنظیم اطلاعات نیز بسیار مؤثر می باشند. آن ها اکثر مباحث پایه در طراحی را در بر می گیرند و معمولاً اولویت و اهمیت، در ساختمان ها با کارکردهای متفاوت، مختلف می باشند. برخی از آن ها عبارت از قلمرو، سلسله مراتب، امنیت، حریم، انعطاف پذیری، قابلیت شنوایی، آسایش، راحتی، اقتصاد، مصرف مناسب انرژی، ارتباط، تعامل، دوام، تطبیق پذیری، تصویر ذهنی، تعامل، خوانایی، نگهداری، شخصی کردن فضا، ایمنی، تمیزی، حس بویایی، ماندگاری و نظایر آن می باشند.

در واقع ارزش های ویژه ای که در روش زندگی در سوژه های مختلف وجود دارند، اولویت موضوعات را تعیین می کنند. موضوعات در روش زندگی طیفی از کیفیت ها هستند که در بین دو حد مفرط قرار می گیرند. در یک پروژه خاص سطح مناسب این کیفیت ها به یکی از دو سر طیف متمایل می گردد، در حالی که در پروژه ای

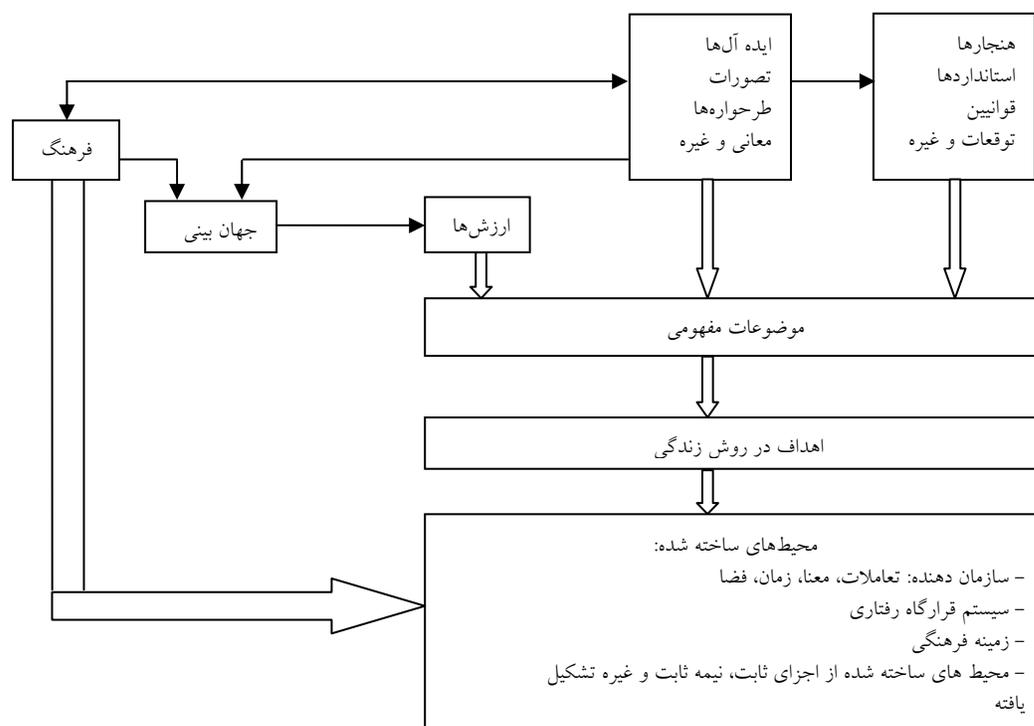
روش زندگی در هر یک از فضاها زندگی در فرهنگ های مختلف متفاوت است.

روش های طبخ غذا یک تجلی فرهنگی است، زیرا در فرهنگ های مختلف تهیه غذاهای متفاوت، شرایط یکسانی نخواهند داشت، هم چنین روش زندگی در مجموعه ای از فضاها که با هدف مشخصی در یک بنا در نظر گرفته می شود نیز شرایط گوناگونی پیدا می کند. لذا می توان روش زندگی در محیط های ساخته شده را به روش زندگی در یک فضا، یا در مجموعه ای از فضاها در یک عرصه، روش زندگی در بناهای مختلف با کاربری های متفاوت، روش زندگی اجتماعی در محیطی کلان طبقه بندی نمود. زندگی اجتماعی نیز خود به دو گروه تقسیم می گردد، یکی زندگی اجتماعی خویشاوندی که شامل روابط با خویشاوندان و بنیان خانواده می گردد و دیگری زندگی اجتماعی عمومی، که شبکه های اجتماعی، نهادها و نظایر آن را در بر می گیرد.

در فرایند طراحی اهداف در روش زندگی، توسط "موضوعات مفهومی" به منصفه ظهور می رسند. موضوعات مفهومی نیز از طریق ایده آل ها، تصورات، طرح واره ها، قوانین و استانداردها، که در به ثمر رسیدن

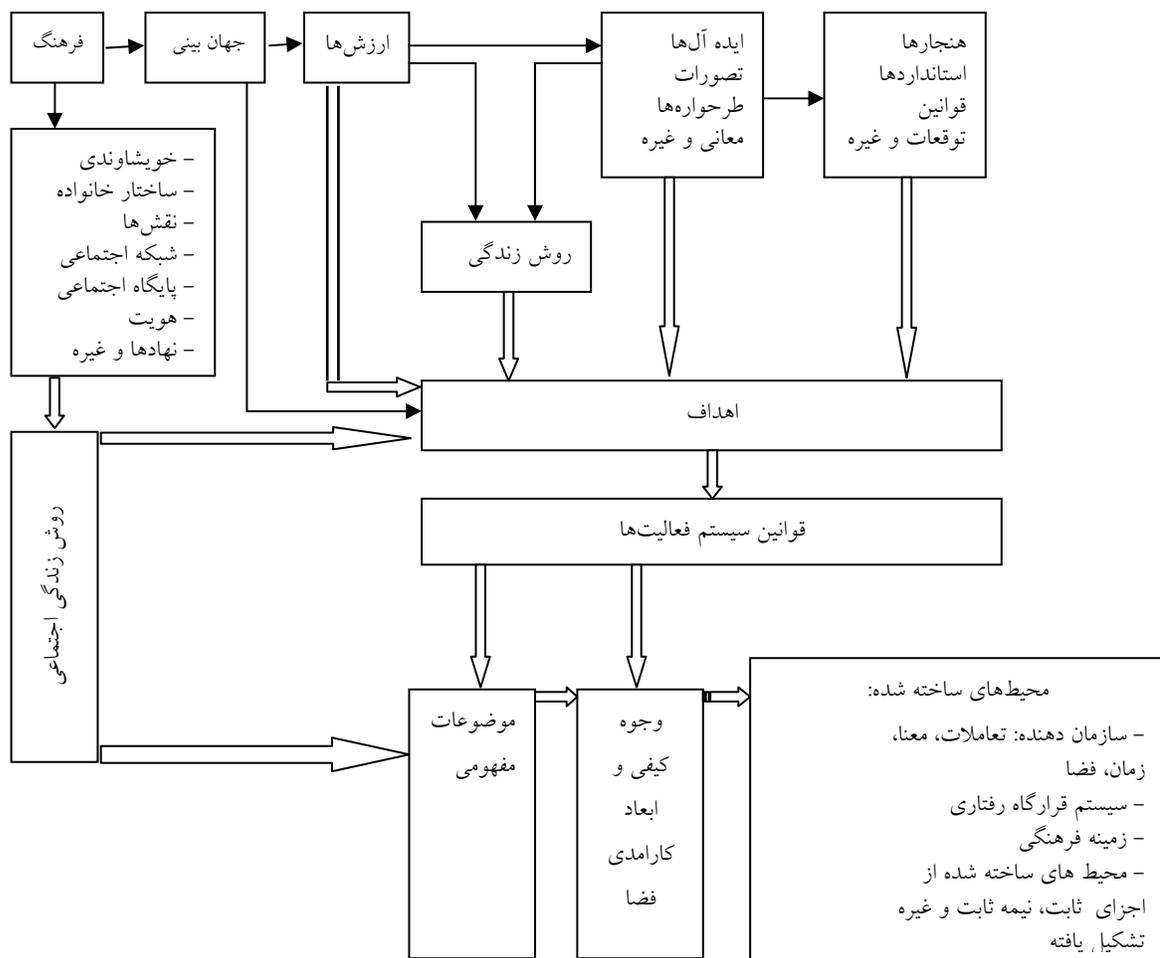
داخلی برج در اولویت قرار می‌گیرد، به این ترتیب در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن‌ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک داخلی در اولویت می‌باشند، لذا هر پروژه اهدافی را برای اولویت بندی موضوعی دارد که به خوبی طیف کیفیت‌ها را نشان می‌دهند. در حقیقت هدف نهایی است که انسان می‌کوشد تا آن را به دست آورد، یا تلاش‌های او به آن سمت جهت می‌گیرد. هدف، انسان را به حرکت وامی‌دارد و محرکی برای تصمیم‌گیری‌های او می‌باشد.

دیگر ممکن است در جهت عکس آن قرار گیرد. یعنی اهداف ایجاد بیمارستان در یک شهر، با اهداف بیمارستانی در ناحیه‌ای از شهر، یا بیمارستانی برای خدمات فرا منطقه‌ای متفاوت هستند. هم‌چنین در محیط‌های مسکونی که حریم و امنیت دو موضوع مهم در طراحی می‌باشند، نظارت و کنترل ساکنان بر فضاهای باز عمومی، در اولویت قرار می‌گیرد، در حالی‌که در برج‌های مسکونی به سبب جمعیت زیاد ساکن در آن‌ها، کنترل در ورودی و دسترسی افراد به فضاهای مشترک



"ت ۵" تجزیه روش زندگی و تأثیر آن در ماهیت محیط‌های ساخته شده.

ماخذ: نگارنده.



"ت" تجزیه فرهنگ به اجزا و عناصر خرد و ارتباط آن با محیط های مسکونی. ضخامت پیکان ها و جهت آن ها متناسب با تأثیر عناصر است.
ماخذ: نگارنده.

اغلب انسان ها به خود می گویند که اگر امکان داشت که جهان را با روش خود اداره کنند چقدر عالی بود، هر فردی راجع به چگونگی دنیای خود، ارزش ها و ایده آل هایی دارد، برخی اوقات این ارزش ها و ایده آل ها کاملاً واضح و خود آگاه هستند، برخی اوقات

سایکس و داهل (sykes & dahl, 1983) اظهار می دارد که، درک انسان از مسائل طراحی چیزی نیست جز روشن کردن ارزش ها، تشخیص اولویت ها و در نظر گرفتن اهدافی که در تکمیل نیازها و عوامل بالقوه طراحی نقش مهمی را ایفا می نمایند.

ناخود آگاه، ولی اولویت‌ها برای افراد مختلف متفاوت است، به‌خصوص در فرهنگ‌های متفاوت یا برای گروه‌های مختلف اجتماعی، اهداف بازتاب ارزش‌های فردی و فرهنگی هستند.

یادآوری ضرورت توجه به جنبه‌های کیفی فعالیت‌ها، یعنی "معنی در محیط‌های ساخته شده"، به این سبب است که ویژگی محیط‌های مسکونی، به ویژگی فعالیت‌های درونی آن‌ها وابسته است، که ارتباط بین فرهنگ و محیط آن‌ها را تعیین می‌کنند، یعنی روش زندگی و نحوه فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی بسیار پر اهمیت می‌باشند. بنابراین تجزیه و تحلیل مجدد فرهنگ در طراحی محیط‌های ساخته شده ضروری به نظر می‌رسد. زیرا شیوه زندگی گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه‌های اجتماعی نظیر؛ سن، جنس، نسل، طبقه، نژاد، قبیله، طایفه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی، این ویژگی را تعیین می‌کنند، که می‌توانند شیوه‌های مختلف زندگی را پدید آورند. از سوی دیگر روش زندگی به طور فزاینده‌ای در تقسیم بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز درباره شیوه زندگی گروه‌های مختلف را می‌توان از طریق الگوهای مصرف، خوراک، پوشاک، حمل و نقل، رسانه‌ها، کتب، سیستم فعالیت‌های زندگی، نوع تفریح، گذران اوقات فراغت، ارتباطات اجتماعی، نیاز به محیط‌های آموزشی و محیط‌های اجتماعی توصیف نمود. به هر حال نتیجه روش زندگی در تصور مردم به زندگی ایده‌آل در محیط‌های ایده‌آل ختم می‌شود.

روش زندگی و مسکن

واحد مسکونی یک پدیده پیچیده‌ای است که هیچ تعریف واحدی برای توصیف آن کفایت نمی‌کند، اما

تمام تعاریف در یک موضوع واحد اتفاق نظر دارند که انسان‌ها با نقطه نظرات و ایده‌آل‌های متفاوت به محیط‌های فیزیکی مختلف پاسخ می‌گویند.

پاسخ‌ها معمولاً از یک مکان به مکان دیگر متفاوتند، زیرا تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر زمینه‌های محیطی، جهان بینی افراد، شرایط اقتصادی و فرهنگ اجتماعی پدید می‌آیند. عوامل فوق و نحوه پاسخ‌گویی به آن‌ها در یک مکان با گذشت زمان به طور تدریجی تغییر می‌کنند. مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک "نهاد" است که برای مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌گردد و به سبب اینکه پدیده‌ای اجتماعی نیز می‌باشد، انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم فیزیکی آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ... آن تأثیر می‌پذیرد. خانه انسان‌های بدوی تنها یک پناهگاه نبوده، بلکه مفاهیم موجود در آن بیش از سودمندی، یا کالبدی فیزیکی بوده است (Rapaport, 1969).

هدف اصلی مسکن ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است، به بیان دیگر علاوه بر تأمین نیازهای شخصی باید نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی او را نیز بر آورده نماید. بافت‌های مسکونی و ساختمان‌های بومی کمتر نتیجه امیال شخصی هستند و بیشتر نشان دهنده اهداف و امیال گروه‌ها برای یک محیط آرمانی می‌باشند. بنابراین آن‌ها دارای ارزش‌های نمادینی هستند که توسط فرهنگ اجتماعی به وجود آمده‌اند و می‌توان آن‌ها را محصول عوامل مشترک اجتماعی دانست. عوامل مشترک اجتماعی شامل تمام جنبه‌های محیطی و فرهنگ اجتماعی می‌باشد و از مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار بر مسکن و محیط‌های مسکونی هستند.

زمینه‌های محیطی که شامل همه اجزای موجود در محیط، یعنی محیط‌های ساخته شده موجود، شرایط

انسان بیشترین ساعات زندگی خود را در آن می‌گذراند و مکانی است که تعاملات مرسوم زندگی و تعاملات اجتماعی در آن صورت می‌گیرد (Saunders, 1990). اینکه انسان چگونه از فضاهای خانه خود استفاده می‌کند نیز یک پدیده فرهنگی است. زیرا استفاده هدفمند از فضاهای مسکونی، آدابی را خلق می‌کند که تفاوت بین "خانه و کاشانه" (Home & House) را پدید می‌آورد (Lawrence, 1995).

کاشانه مکان امنی است که هم آسایش و هم انتظارات و توقعات انسان را تأمین می‌کند و هویت او را به نمایش می‌گذارد. لذا آدابی که در محیط خانه وجود دارد، فرایندی است که می‌تواند خانه را به کاشانه تبدیل کند (Perkins & Thorns, 2000). لذا این گونه محیط‌ها ارزش‌های مورد نظر کاربران را به میزان قابل قبولی تأمین می‌نمایند. بنابراین در طراحی توجه به موضوعات مختلف و معانی آن‌ها اهمیت بیشتری نسبت به عملکرد پیدا می‌کند (Chaney, 1996).

در جامعه‌شناسی "روش زندگی"، (Life style) به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک دیده شده است و زندگی روزمره و رفتارها در زمینه اجتماعی خاصی معنی دار هستند. فعالیت‌هایی نظیر نوع و میزان ارتباطات اجتماعی افراد، نوع استفاده از فضا، زمان، نوع روابط خویشاوندی و خانوادگی و نظایر آن در زمینه‌های مختلف اجتماعی فرهنگی متفاوت می‌باشند.

در مفهوم "روش زندگی" نوع فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرند، دلیل انجام آن‌ها و این که فعالیت‌ها برای آن‌ها چه معنی دارند، را تشریح می‌کند. روش زندگی، روش‌های مختلف استفاده از مواد، محل‌ها و زمانی که آن‌ها صرف می‌کنند را مشخص می‌کند. به بیانی دیگر چگونگی استفاده از فضاها در زندگی روزمره را تعیین می‌نماید. (تصویر شماره ۸)

اجتماعی، شرایط فیزیکی و شکل عوارض طبیعی محیط، شرایط اقلیمی، مصالح در دسترس، روش‌های ساخت و فن‌آوری روز می‌باشند، که بر فرم و سازمان فضایی تأثیر می‌گذارند. اما تأثیر گذارترین جنبه محیطی بر شکل‌گیری مسکن، سلسله‌ای از عوامل اجتماعی می‌باشند. یعنی در نهایت عاملی که فرم فضا و نحوه ترکیب‌ها را در محیط‌های مسکونی به وجود می‌آورد "رویای انسانها از زندگی آرمانی" آنان می‌باشد. لذا می‌توان جنبه فرهنگ اجتماعی را عامل اصلی، و بقیه جنبه‌ها را عوامل ثانویه در نظر گرفت، عوامل فرهنگ اجتماعی نیز شامل عقاید مذهبی، ساختار طایفه‌ای، ساختار خانوادگی، سازمان اجتماعی، روش امرار معاش، روابط اجتماعی بین افراد و خویشاوندان می‌باشد و معمولاً راه حل‌ها و نحوه پاسخ‌گویی به این گونه نیازها، نسبت به نیازهای فیزیکی محیطی بسیار متنوع‌تر هستند.

راپاپورت اظهار می‌دارد که مسکن و سکونتگاه‌ها توصیفی فیزیکی از عوامل مشترک اجتماعی هستند (Rapaport, 1969).

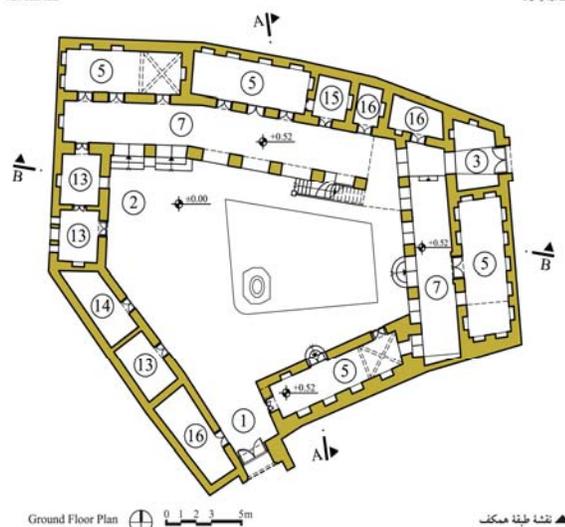
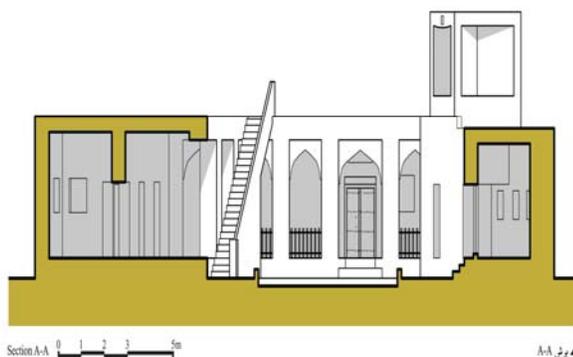
او هم چنین خانه را یک حقیقت انسانی می‌داند که انسان حتی در سخت‌ترین شرایط، برای دستیابی به خانه آرمانی خود تلاش نموده است، و می‌توان انتخاب‌های او را که مستلزم وجود ارزش‌های فرهنگی است، در آن مشاهده نمود. لذا فرهنگ اجتماعی، عامل اصلی در ساختار روش زندگی، و شکل فیزیکی خانه‌ها و سکونتگاه‌ها می‌تواند یک تجسم فیزیکی از محیط آرمانی در نظر گرفته شود.

"مفهوم خانه" به‌عنوان یک شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی‌گیرد، بلکه "معنی" در طراحی آن اهمیت پیدا می‌کند. در زندگی روزمره "معنی" در استفاده از فضاها نهفته است. مکان‌ها دارای معنی هستند و خانه مکان اصلی فعالیت‌های روزانه انسان می‌باشد (Zukin, 1995).

آنچه که انسان در زندگی روزانه خود به انجام می‌رساند، انتظام بخشیدن به روش استفاده از فضاهاست. در واقع وجود رسم و رسوم زندگی، کوششی است برای حفظ فرهنگی خاص، بنابراین فعالیتی نظیر غذا پختن باید به‌عنوان یک تجلی فرهنگی دیده شود. در حقیقت حتی وقتی امکانات متعددی وجود داشته باشد، کارهای عادی و روزمره توسط ریشه‌های فرهنگی هدایت می‌شوند، نظیر گردهمایی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی. توجه به این موضوع که انسان‌ها چگونه از فضاهای زندگی در رسوم روزمره استفاده می‌کنند، نکته‌ای کلیدی است که می‌تواند معانی نهفته در محیط‌های زندگی آن‌ها را روشن نماید. لارنس (Lawrence, 1995) در این باره اظهار می‌دارد که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانون مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط ایفا می‌کنند، می‌توانند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند.

در میان برجسته‌ترین رسوم و قواعد، رعایت آداب ساخت و ساز، هم از نقطه نظر به نمایش گذاشتن مقام اجتماعی خانواده و هم از نقطه نظر رعایت آداب اجتماعی در محیط‌های مسکونی مورد توجه قرار می‌گیرد. آداب ساخت و ساز بیشترین تأثیر را در روش استفاده از فضاهای عمومی، تعیین محدوده‌های مالکیت، نوع جهت‌گیری ساختمان؛ فاصله آن‌ها از یکدیگر و مهم‌ترین آن‌ها سلسله مراتب دسترسی از طریق توجه به شأن و مرتبه حرمت هر بنا در محیط پیچیده محله‌ای و محیط کلان شهری، خواهد داشت.

مفهوم روش زندگی که به بسیاری از جنبه‌های رفتاری وابسته است، در طراحی محیط‌های مختلف از طریق



۱. ورودی	۵. اتاق	۱۴. دستشویی
۲. حیاط	۷. ایوان	۱۵. حمام
۳. هشتی	۱۳. آشپزخانه	۱۶. انبار

"ت ۸" واحد مسکونی. خانه سلیمانی، لافت، جزیره قشم.

نتیجه

در روش زندگی که انتخاب‌ها قاعده مند می‌گردند، شرایط کیفی آن کامل‌تر از کیفیت‌های محیطی است، زیرا می‌توان آن را ترکیبی از کیفیت‌های محیطی و کیفیت عادی و فرهنگی انسان در نظر گرفت. در چنین شرایطی کیفیت‌های محیطی با روش زندگی در تعامل قرار می‌گیرند. به‌طور بالقوه این دیدگاه در برنامه‌ریزی، طراحی، ارزیابی و هم چنین تحقیقات بسیار پر اهمیت خواهد بود. زیرا می‌توان تأثیرات روش زندگی را بر کیفیت‌های محیطی و انتظارات ساکنان از محیط‌ها مورد مطالعه قرار داد، یا می‌توان تأثیر محدودیت‌ها را بر امکان سنجی مطالعه و تحلیل نمود.

منابع

- آشوری، داریوش. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. ج ۲. تهران: آگاه، ۱۳۸۱.
- سرتیپی پور، محسن. خانه‌های روستایی ایران. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
- Chaney, David, *Lifestyles: Key Ideas*, Routledge, London, 1996.
- Dahl, Dan and Randolph Sykes, *charting your goals: personal life-goals planner*, New York, Harper & Raw, 1983.
- Lawrence, R.J., *Deciphering home: an integrative historical perspective*, In: Benjamin and Stea, 1995.
- Rapoport, Amos, A. *House Form and Culture*, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall, 1969.
- Rapoport, Amos, *Culture Architecture and design*, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA, 2005.
- Rapoport, Amos, the *study of spatial quality*, J of Aesthetic Education vol.4, n4, October 1970, p. 81-96.

تأثیرات متقابل محیط و رفتار، روش استفاده از فضاها را تعیین می‌کند. روش زندگی که منتج از رفتارها و سیستم‌های رفتاری می‌باشد، ارزش‌های فرهنگی را در درون خود به همراه دارد. معماران و برنامه‌ریزان که با تحلیل‌های رفتاری نسبتاً آشنایی دارند، باید به "معنی" به‌عنوان محصولی از ادراک محیط نیز توجه نمایند. زیرا در بسیاری از مواقع تصور نادرستی از تفاوت بین "عملکرد" و "معنی" وجود دارد. "معنی" فقط شرایط مهمی از عملکرد و رفتار نیست، بلکه "مهم‌ترین نقش کیفی و کارامدی" محیط مصنوع" را مطرح می‌کند، زیرا شرایط ویژه‌ای از سیستم‌های رفتاری، منجر به ویژگی در قرارگاه‌های رفتاری می‌گردد و محیط‌های متفاوت از یکدیگر به‌وجود می‌آیند، که منتج از رابطه بین فرهنگ و محیط خواهد بود. لذا روش زندگی و سیستم‌های رفتاری هر دو با هم در تحلیل محیط‌ها در کنار هم حضور دارند.

روش زندگی نظیر کیفیت‌های محیطی نتیجه یک انتخاب است و در حقیقت یک انتخاب قاعده‌مند است از بین گونه‌های مختلف که واجد ویژگی خاصی می‌باشد. یک شیوه مناسب جهت مطالعه روش زندگی گروه‌های مختلف، بررسی متغیرهای اصلی است، زیرا به راحتی می‌توان آن‌ها را در محیط‌های زندگی مشاهده نمود. از سوی دیگر متغیرها نیز می‌توانند گروه‌های مختلف را مشخص نمایند.

مطالعه درباره روش زندگی را می‌توان با استفاده از چهار متغیر اصلی شروع نمود، این متغیرها شامل طبیعت اجزاء، مرتبه اجزاء (یعنی میزان اهمیت آن‌ها نسبت به یکدیگر) وجود یا عدم وجود اجزاء، میزان اندازه آن‌ها در مقایسه با دیگر اجزاء می‌باشد. هدف از اجزاء در حقیقت فضاهایی هستند که در تجلی روش زندگی نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند.

- Saunders, Peter; *A Nation of Home Owners*, London: Unwin Hyman, 1990.

- Thorns, C, Perkins, H. C., *Exploring the Meaning of Home: Build*, November/December, 2000.

- Zukin, Sharon, *Cultures of Cities*, Cambridge, Mass.; Oxford: Blackwell, c1995.

مسکن و محیط‌زیست

شماره ۱۳۴ تابستان ۹۰

۱۸